حرکت به سوی رقابت‌پذیری منطقه‌ای و جهانی

دکتر بهروز محمدی، رئیس هیئت مدیره مجتمع کارخانجات ساینا دلیجان



اشاره:

سال گذشته برای صنعت نساجی ایران، سالی پیچیده، پرچالش و در عین حال سرشار از نشانه‌های بازتعریف و بازآرایی بود. صنعتی که از آن به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و اشتغال‌زاترین صنایع کشور یاد می‌شود، در میانه تلاطم‌های اقتصادی، نوسانات ارزی، تغییرات الگوی مصرف و تحولات منطقه‌ای، تلاش کرد مسیر بقا را به مسیر بازسازی و رشد تدریجی تبدیل کند.

❋فشار هزینه‌ها و واقعیت‌های تولید

بی‌تردید مهم‌ترین مؤلفه اثرگذار بر عملکرد واحدهای نساجی در سال گذشته، افزایش هزینه‌های تولید بود.

رشد نرخ مواد اولیه وارداتی از جمله الیاف مصنوعی، رنگینه‌ها، مواد شیمیایی و قطعات یدکی ماشین‌آلات، در کنار افزایش هزینه‌های انرژی، حمل‌ونقل و دستمزد، حاشیه سود تولیدکنندگان را به شکل محسوسی کاهش داد.

بسیاری از واحدها ناچار شدند استراتژی خود را از توسعه ظرفیت به مدیریت بقا تغییر دهند؛ تمرکز بر کاهش ضایعات، افزایش بهره‌وری خطوط و مدیریت سرمایه در گردش به اولویت نخست مدیران تبدیل شد.در این میان، بنگاه‌هایی که از پیش به نوسازی ماشین‌آلات و بهینه‌سازی فرآیندها پرداخته بودند، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان دادند.تجربه سال گذشته بار دیگر نشان داد که سرمایه‌گذاری در فناوری نه یک انتخاب لوکس، بلکه شرط ماندگاری در بازار رقابتی امروز است.

❋بازار داخلی؛ میان رکود و بازآرایی تقاضا

بازار پوشاک و منسوجات خانگی در سال گذشته با کاهش قدرت خرید خانوارها مواجه بود. این موضوع به‌طور مستقیم بر سفارش‌گیری واحدهای پایین‌دستی تأثیر گذاشت.

با این حال، تغییر رفتار مصرف‌کننده به سمت محصولات اقتصادی‌تر و همچنین گرایش به تولیدات داخلی به دلیل افزایش قیمت کالای وارداتی، فرصتی نسبی برای تولیدکنندگان داخلی فراهم کرد. در بخش منسوجات صنعتی و فنی،



وضعیت متفاوت بود. نیاز صنایع پایین‌دستی مانند خودروسازی، ساختمان و صنایع بسته‌بندی، تقاضا برای برخی منسوجات تخصصی را حفظ کرد.
این بخش نشان داد که تنوع‌بخشی به سبد محصولات و ورود به حوزه منسوجات با ارزش افزوده بالاتر می‌تواند راهبردی کارآمد برای عبور از رکود بازار مصرف عمومی باشد.

❋صادرات؛ فرصت‌های منطقه‌ای و چالش‌های ساختاری

در حوزه صادرات، بازارهای همسایه همچنان مهم‌ترین مقصد منسوجات ایرانی باقی ماندند. نزدیکی جغرافیایی، مزیت هزینه‌ای و شناخت نسبی از سلیقه بازار، مزایای رقابتی تولیدکنندگان ایرانی در این کشورهاست.
با این حال، مشکلات نقل‌وانتقال پول، محدودیت‌های بانکی و نبود سازوکارهای پایدار بازگشت ارز، مانعی جدی در توسعه صادرات محسوب می‌شود.سال گذشته برخی واحدها با اتکا به شبکه‌های تجاری محلی و همکاری با شرکای منطقه‌ای توانستند سهم صادراتی خود را افزایش دهند. تجربه موفق این بنگاه‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی فعال‌تر و حمایت هدفمند از برندهای صادرات‌محور می‌تواند ظرفیت‌های مغفول صنعت نساجی ایران را بالفعل کند.

❋قاچاق و رقابت نابرابر

یکی از دغدغه‌های همیشگی صنعت نساجی، موضوع قاچاق پوشاک و پارچه است. هرچند در سال‌های اخیر اقدامات نظارتی تشدید شده، اما همچنان ورود کالای بدون پرداخت عوارض و مالیات، رقابت را برای تولیدکننده داخلی دشوار می‌کند. در سال گذشته نیز فعالان صنعت بارها بر ضرورت استمرار سیاست‌های مقابله با قاچاق و شفاف‌سازی زنجیره توزیع تأکید کردند. استمرار این سیاست‌ها می‌تواند فضای رقابتی سالم‌تری برای تولیدکنندگان فراهم آورد.

❋حرکت به سوی دانش‌بنیان شدن

یکی از نقاط امیدبخش سال گذشته، افزایش توجه به نوآوری و همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان بود.
استفاده از نرم‌افزارهای طراحی و مدیریت تولید، توسعه منسوجات آنتی‌باکتریال، ضدآب و مقاوم در برابر شعله، و همچنین تلاش برای بومی‌سازی برخی مواد اولیه و قطعات، نشانه‌هایی از تغییر نگرش در بخشی از صنعت است.
هرچند سهم این حرکت‌ها هنوز در مقیاس کل صنعت محدود است، اما جهت‌گیری آن اهمیت دارد.
آینده صنعت نساجی نه در تولید انبوه کالاهای کم‌ارزش، بلکه در توسعه محصولات تخصصی، سفارشی و فناورمحور رقم خواهد خورد.

❋چالش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی

تأمین مالی همچنان پاشنه آشیل بسیاری از واحدهای نساجی است.
نرخ‌های بالای تسهیلات بانکی و سختگیری در اعطای وام، امکان نوسازی گسترده خطوط تولید را محدود کرده است. در چنین شرایطی، استفاده از ابزارهای نوین مالی، مشارکت‌های صنعتی و جذب سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند راهکارهای مکملی برای عبور از تنگنای سرمایه باشد.

❋جمع‌بندی؛ صنعتی در آستانه انتخاب

صنعت نساجی ایران در سالی که گذشت، بیش از هر زمان دیگری با یک انتخاب راهبردی مواجه شد: ادامه مسیر سنتی با تکیه بر بازار محدود داخلی، یا حرکت به سوی رقابت‌پذیری منطقه‌ای و جهانی از طریق نوسازی، نوآوری و برندسازی.
واقعیت آن است که ظرفیت انسانی، سابقه تاریخی و گستره زنجیره ارزش این صنعت، مزیت‌هایی کم‌نظیر در اقتصاد کشور ایجاد کرده است. اگر سیاست‌های حمایتی هوشمند، ثبات نسبی اقتصادی و دسترسی آسان‌تر به فناوری و بازارهای صادراتی فراهم شود، صنعت نساجی می‌تواند بار دیگر به یکی از پیشران‌های اشتغال و ارزآوری کشور تبدیل شود.
سال گذشته اگرچه سال فشار و آزمون بود، اما همزمان سال بیدارباش نیز محسوب می‌شود؛ بیدارباشی برای بازاندیشی در مدل کسب‌وکار، ارتقای بهره‌وری و حرکت به سوی آینده‌ای که در آن «کیفیت، نوآوری و رقابت‌پذیری» سه ستون اصلی صنعت نساجی ایران خواهد بود.